

بر فراز تپه‌های سیلک

محمد هاشمی*

■ تاریخ به معنی جنگ‌ها و شرح زندگی چند نفر اندک‌شمار نیست که شاه شده یا سرداران بزرگی بوده‌اند. تاریخ باید درباره مردم یک کشور برای ما سخن بگوید که چگونه زندگی می‌کردند، چه کارهایی انجام می‌دادند و چگونه می‌اندیشیدند. تاریخ باید از رنج‌ها و شادی‌های آنان، از دشواری‌ها و مشکلات‌شان برای ما سخن بگوید و بگوید که چگونه بر این دشواری‌ها چیره شدند.

«جواهر لعل نهرو»

کاشان شهری است با قدمت هزاران ساله، براساس تحقیقات باستان‌شناسان در تپه‌های سیلک که در چهارکیلومتری غرب کاشان قرار دارد، این ناحیه از نخستین مناطقی بوده که بشر در آن سکنی گزیده و آثار تمدنی آن به دست ما رسیده است. قسمتی در منطقه کاشان در نواحی کوهستانی و بقیه در دشتی واقع شده که در حاشیه کویر است. در نتیجه قسمت‌های کوهستانی آن سردسیر و بقیه آن گرمسیر و کویری است. کاشان در زمان ساسانیان از مناطق مهم شهری به شمار می‌آمد، چنانکه به لشکر ساسانی ۲۰هزار سرباز داده بود. هنگامی که اسلام در ایران گسترش یافت، کاشان یکی از مراکز شیعیان شد، چنانکه «نقدسی» تمام ساکنان کاشان را پیرو مذهب شیعه امامیه دانسته است.

این شهر طی حکومت خلفای عرب در دست حکومتگران مختلف دست به دست شد و پس از تسلط سلجوقیان بر ایران و سیاست واوجه نظام‌الملک و ملکشاه‌مینی بر گسترش امنیت و ایجاد رونق اقتصادی و عمران در شهرهای ایران، کاشان نیز از این سیاست‌ها بی‌نصیب نماند و بناهایی در آن ساخته شد که از جمله می‌توان به مسجد جامع و مناره پنج‌شاهه اشاره کرد که از دوره سلجوقی به یادگار مانده است. کاشان از حملات مغول هم بی‌نصیب نماند و بنا بر مندرجات جهانگشای جویی قوم مغول در سال ۶۲۱ ه‍.ق اهالی کاشان را قتل‌عام کردند اما در زمان لشکرکشی تیمور، حاکم کاشان، که فردی به نام امیرمجدالدین مظفر کاشی بود با حسن تدبیر توانست شهر را از قتل و غارت سپاهیان تیمور نجات دهد.

در دوره صفوی (این دوره مهم به طور مفصل در کتاب دکتر رحبی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته) به ویژه از زمانی که اصفهان به عنوان پایتخت شاهان صفوی درآمد، کاشان اعتبار ویژه‌ای یافت و رو به آبادی نهاد. این شهر در طول تاریخ همانند بسیاری از شهرهای ایران با سختی‌ها و ناملایمات بسیاری روبه‌رو



بوده که از آن جمله می‌توان به زلزله‌های شدیدی که این ناحیه را بارها ویران کرده (در سال ۱۱۹۲ ه‍.ق. مقران با اواخر حکومت کریم‌خان زند و در سال ۱۲۶۰ ه‍.ق که قصر از زلزله آسیب دید) اشاره کرد.

اما برای شناخت فرهنگ و تمدن ایران و تبیین صحیح تاریخ ایران زمین، شناسایی تاریخ محلی ضروری و لازم است. کاشان یکی از شهرهای مهمی است که به علت قرار گرفتن در حاشیه کویر دارای مشخصه‌های خاص خود است. کمبود منابع آبی در کاشان موجب شده مردم به حرفه‌ها و مشاغل بازرگانی و صنعتگری روی بیاورند، لازمه پیشرفت این مشاغل هم ایجاد امنیت و دوری از خشونت و پایندی به اصول اخلاقی دین بوده است و به دلیل ضعف اقتصاد کشاورزی، انباشت ثروت با صرفه‌جویی حاصل می‌شده است، بنابراین فرهنگ صرفه‌جویی، خشونت‌گریزی و پایبندی مذهبی در تاریخ این ناحیه به خوبی مشهود است. تاملی در سرفصل‌های کتاب «کاشان‌نگین انگشتری تاریخ ایران»، فهرست منابع و کار پژوهشی صورت گرفته، جامعیت کتاب را مشخص می‌کند، کتابی درباره تاریخ کاشان و وضعیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ادبی این شهر از قبل از اسلام تا پس از جنبش مشروطه، کتابی که با تکیه بر منابع دقیق و دست اول، ما را به سفری محققانه در درازای تاریخ می‌برد. دکتر پرویز رحبی از پژوهشگران نامدار در عرصه تاریخ ایران است و با آثار ممتازی نظیر؛ سده‌های گمشده، ترازوی هزار کفه، کریم‌خان زند، زمانه او… نزد جامعه دانشگاهی و مورخان جایگاه ویژه‌ای دارد. او در این اثر پژوهشی ما را به فراز تپه‌های سیلک فرخوانده و یکی از مهم‌ترین دروازه‌های تاریخ ایران را به روی مردم ایران و به‌خصوص دانشجویان و محققان می‌گشاید و باز در این اثر و با شگرد خاصی که در تاریخ‌پژوهی دارد، نشان می‌دهد که از «تاریخ‌نگاری» تا «تاریخ‌نگری» فاصله‌هاست و در بررسی‌های تاریخی، آنچه ما بیشتر بدان نیازمندیم، «تاریخ‌نگری» است. به تعبیری او «لحظه‌های گمشده» را در سروده‌هایش (دیوارنوشته‌ها) با دیوار روبه‌رو و در پژوهش‌های تاریخی‌اش با مخاطبان و علاقه‌مندان فرهنگ و تمدن ایران زمین در میان می‌گذارد.

■ **پژوهشگر و کارشناس ارشد تاریخ (دانشگاه شهیدبهشتی)**
توضیح: به همراه این مطلب قرار بود با نویسنده کتاب هم گفت و گو شود، اما تا زمان صفحه‌آرایی این گفت‌وگو آماده نشد و انتشار آن به زمان دیگری موکول می‌شود.

فردریش فون هایک متفکر محبوب مارگارت تاجر بود و بر تکامل راست نو بریتانیا و آمریکا در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ تأثیری قاطع داشت. او به همراه لودویک فون میزس (اقتصاددان برجسته اتریشی در دهه ۳۰ در قرن بیستم‌رهبری مکتب اتریش را برعهده داشتند. هایک در ۱۹۷۴ به‌طور مشترک با گونار میردال (اقتصاددان سوئدی) جایزه نوبل اقتصاد را دریافت کرد. او هنگام دریافت جایزه نوبل اظهارنظر عجیبی کرد و گفت: اگر قبیل از ایجاد دولت اقتصاد نظر مرا در مورد آن می‌پرسیدند با آن مخالفت می‌کردم؛ چرا که افتخار و شهرت دریافت نوبل موجب پیدایش اقتداری می‌شود که در زمینه اقتصاد هیچ انسانی نباید، از آن برخوردار باشد. یکی از نظرات مهم و کلیدی هایک، مخالفت سرسختانه‌اش با مفهوم «عدالت اجتماعی» است. به اعتقاد او ایده عدالت اجتماعی سرایی بیش نیست؛ چرا که به باور او این فکر که جامعه می‌تواند عادل یا ناعادل باشد، حاوی سوءفهمی از مفهوم عدالت است. هایک بر آن است که عدالت فستی برای عمل و معمولی برای عمل‌کننده است. فرد وقتی عادلانه عمل می‌کند که عملی عادلانه دهد. حال آنکه مناسبات حاکم

بر جامعه و بازار، حاصل اراده فردی نیست و بنابراین نمی‌توان حکم داد که عادلانه یا ناعادلانه‌اند او «سراب عدالت اجتماعی» را تهدیدی جدی برای بزرگ‌ترین دستاورد تمدن غربی (آزادی‌های فردی) می‌داند و معتقد است که عدالت اجتماعی در واقع اسب تروای سوسیالیسم در جوامع آزاد است و همانند خود سوسیالیسم از نوعی خردگرایی کاذب ناشی می‌شود.

اگرچه جایگاه کانونی فون هایک در اندیشه اقتصادی قرن بیستم بی‌چون و چراس‌ت اما فلسفه عمومی و سیاسی او هنوز آن چنانکه باید مورد توجه واقع نشده است. جان‌گری (مورخ تاریخ اندیشه) در کتاب «فلسفه سیاسی فون هایک» تلاش کرده که از این منظر هایک را معرفی کند. او هدف اصلی کتابش را این می‌داند که نشان دهد نظامی از دل کارهای هایک در رشته‌های مختلف به‌وجود می‌آید، چرا که نگاه فلسفی شاخصی بر سراسر آثار او حاکم است.گری س سعی دارد هایک را در مقام فیلسوف به معنای واقعی کلمه معرفی کند. دیدگاه فلسفی هایک روایتی ترکیبی و منسجم از فلسفه‌های انتقادی نئوکانتی چون نظرات ماخ، پوپر، وینگنشتاین و پولاتنی است. اندیشه هایک در اس، اساس از این جهت کانتی است که منکر توانایی ما برای شناخت چیزها یا جهان به همان گونه‌ای است که آنها در خود هستند (۱۳۸۹: ۱۲ – ۱۴).

جان‌گری معتقد است که آثار هایک، نظامی از اندیشه‌ها را به‌وجود آورده‌اند که اگرچه به اندازه نظام‌اندیشگی میل و مارکس بلندپروازانه است، اما در عین حال نظام اندیشگی او بسی کمتر از آن دو در برابر نقدها آسیب‌پذیر و شکننده است، زیرا مبتنی بر دیدگاه فلسفی قابل دفاعی در مورد



وقتی که هایک خوانی زجر آور می‌شود

سینا مهدوی

به اعتقاد گری در آثار هایک ما با بیان دوباره لیبرالیسم کلاسیک مواجه هستیم که از خطاهای مهمی چون فردگرایی انتزاعی و عقل‌گرایی غیرانتقادی بلوده شده است. آثار هایک مطابق با سنت لیبرالیسم کلاسیک

است، نه صرفاً از این جهت که دل‌مشغول‌های او در بسیاری زمینه‌ها همان دل‌مشغولی‌های لاک، آدام اسمیت و گالت است، بلکه بیشتر از این جهت که او هم مانند نظریه‌پردازان عصر طلایی لیبرالیسم به دنبال آن است که نظامی از اندیشه‌ها را برپا دارد که

به کمک آنها بتوانیم زندگی اجتماعی و سیاسی را بفهمیم و آن را در معرض نقد عقلانی قرار دهیم (همان: ۱۱). گری اگرچه در ابتدای کتاب، هایک را ادامه‌دهنده لیبرال‌های کلاسیک می‌داند، اما در فصل پایانی می‌نویسد: «هایک در مقام منتقد سوسیالیسم است که در یادها خواهند ماند، نه

در مقام فیلسوف لیبرالیسم» (همان: ۲۰۸).

«فلسفه سیاسی فون هایک» یک بخش از سه گانه جان‌گری درباره فلسفه سیاسی فیلسوفان لیبرال است. «فلسفه سیاسی جان استوارت میل» و «فلسفه سیاسی آیزایا برلین» دو کتاب دیگر این سه‌گانه هستند. هر سه کتاب را خشایار دیهیمی ترجمه و طرح نو در سال ۷۹ منتشر کرد و اکنون پس از ۱۰سال هر سه آنها تجدید چاپ شده‌اند.

به نظر نگارنده ترجمه خشایار دیهیمی از «فلسفه سیاسی فون هایک» مانند دیگر ترجمه‌های او دارای جملات گنگ و سخت‌خوان بسیاری است که این گنگی در اکثر موارد موجب دیرفهمی و حتی بد فهمی می‌شود. برای نمونه در ادامه ابتدا، عین پاراگراف آخر کتاب را نقل می‌کنم و سپس همان پاراگراف را با اصلاحات ویرایشی اندکی می‌آورم تا خوانندگان هم منظورم از سخت‌خوان بودن جملات را بهتر بفهمند و هم قضاوت کنند که کدام بهتر و گویاتر است. «اتمام و اِتر مانندن نظام اندیشه‌های هایک به دلیل بی‌اعتنایی‌اش به تأثیرات ویرانگر بازارهای آزاد بر همبستگی اجتماعی برای اندیشه لیبرالی امروزی می‌تواند

فوق‌العاده آموزنده باشد. این نکته ثابت می‌کند که آرمان

لیبرالی خودمختاری شخصی، نیازمند دولتی توانا و فعال است، نه حکومت کمینه‌ای که در نظریه لیبرالیسم کلاسیک مطرح می‌شود. زیرا اگر یک درس عبرت‌آموز زوال و انحلال لیبرالیسم کلاسیکی که هایک بازسازی کرده‌است، این باشد که آزادی فردی را نمی‌توان بر اساس مفهوم محدودکننده و به تحلیل‌برنده تسلیم بی‌قید و شرط به نیروهای بازار یا سنت درک کرد، درس دیگرش این است که در شرایط جهان مُدرن امروزی، خودمختاری شخصی و جامعه‌ای پایدار

و همبسته شرقی متقابل نیستند.» پیشنهاد ویرایشی من به این صورت است: «هظام اندیشه‌های هایک به دلیل بی‌اعتنایی نسبت به تأثیرات ویران‌گر بازارهای آزاد بر همبستگی اجتماعی و ناتمام و اِترس مانده و این برای اندیشه لیبرالی امروزی می‌تواند فوق‌العاده آموزنده باشد. این نکته ثابت می‌کند که خودمختاری شخصی به عنوان آرمانی لیبرالی، نیازمند دولتی توانا و فعال است، نه حکومت کمینه‌ای که در لیبرالیسم کلاسیک مطرح می‌شود. زوال و انحلال لیبرالیسم کلاسیکی که هایک بازسازی کرده یک درس عبرت‌آموز است این است که آزادی فردی را نمی‌توان بر اساس تسلیم بی‌قید و شرط به نیروهای بازار یا سنت (که مفهومی محدودکننده و تحلیل‌برنده است) درک کرد و درس دیگرش این است که در شرایط جهان مدرن امروزی خودمختاری شخصی و جامعه پایدار و همبسته شقوق متقابلی نیستند.» از ترجمی که اقتدر به فکر درست خواندن متن است که از: اعراب‌گذاری نمی‌گذرد، انتظار می‌رود که نسبت به ساختار جملات ترجمه‌اش و گویایی آنها حساسیت بیشتری داشته باشد، نه اینکه سه صفت را پشت‌سر هم ردیف کند.

نگاه متفکران انتقادی به رسانه‌های گروهی

محمود سلطان‌آبادی



فکری اندیشمندان کلیدی معاصر همچون ژان بودریار و اسلاوی ژیزک پیوستگی‌های نظری این دو دوره به وضوح نمایانده می‌شود. در این بخش به مسایلی همچون شهرگی معاصر و نقش شهرها در زندگی فرهنگی جوامع معاصر پرداخته شده و برنامه‌ها و قالب‌های تلویزیونی‌نوبنی همچون تلویزیون به اصطلاح واقع‌نسا و تلویزیون پیش‌فانداگی و نقش این قالب‌ها در جامعه رسانه‌ای کنونی مورد تشریح قرار می‌گیرند.

ناگفته پیداست که آماج نقدهای این کتاب، فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری و صنعت- فرهنگ را نشانه گرفته است،



ناگفته پیداست که آماج نقدهای این کتاب، فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری و صنعت- فرهنگ را هیات‌های

مرور

از رزم‌آرا تا نختی

محمود فاضلی

■ کتاب «ظهور و سقوط سپهبد حاج‌علی رزم‌آرا و چند مقاله دیگر» نوشته علی میرزایی توسط نشر نگاره آفتاب در ۵۰۶ صفحه منتشر شده، بخشی از کارنامه ۲۵ساله نویسنده در حوزه مطبوعات، کتابداری و اطلاع‌رسانی و مدیریت امور فرهنگی است. این دومین مجموعه‌ای از نوشته‌ها و ترجمه‌های نویسنده است که به صورت کتاب منتشر می‌شود. نخستین مجموعه به نام «مموکراسی و اقتصاد» به بازار آرایه شد.

بی‌تردید خواننده، نباید زمان نوشتن مقاله‌ها را از نظر دور بدارد و آنچه در مورد شخصیت‌ها نوشته، مربوط به زمان و شرایط انتشار آن نوشته‌هاست و اعتبار آنها منوط و مشروط به همان زمان و شرایط است. اگر شخصیتی در گذر زمان تغییر مشی، رفتار کردار داده باشد، درباره این تغییرات می‌توان در جای دگر سخن گفت و نه آنچه نویسنده در گذشته نوشته است. نویسنده مقاله‌های کتابش را به پنج بخش «تاریخ، مطبوعات، کتابداری و اطلاع‌رسانی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، کتاب‌ها و چهره‌ها» تقسیم کرده است. در بخش تاریخ، سه مقاله، که دو مقاله آن ترجمه است، آورده شده است. مقاله نخست «ظهور و سقوط سپهبد حاج‌علی رزم‌آرا» نام دارد و نوشته «رضا قدس» است. نام کتاب برگرفته از مقاله نخست کتاب با عنوان «ظهور و سقوط سپهبد حاج‌علی رزم‌آرا» است. نویسنده، شخص رزم‌آرا، نخست‌وزیر ایران پیش از ملی شدن صنعت نفت را شخصیتی پیچیده و اسرارآمیز می‌داند که نقشی حساس در حوادث سده بیستم ایران داشته است. هر چند معتقد است نقش او به درستی ارزیابی و بررسی نشده است. از این رو تحقیق کوتاه خود را «کوششی مقدماتی برای جبران این غفلت طولانی» می‌داند.

در این بخش، پیشینه کوتاهی از رزم‌آرا و خانواده وی، هوش و خلاقیت وی و آشنایی با رضاخان فرمانده نیروی قزاقی که بعدها به سلطنت رسید و همچنین شرکت وی در سرکوب جمهوری شورایی گیلان (به رهبری میرزا کوچک‌خان) و سپس در فرونشاندن شورش‌های عشایر کرد در آذربایجان غربی شرکت داشت، مورد اشاره قرار گرفته است. رزم‌آرا در این مناقشه‌ها چنان نقش آفرینی کرد که توجه رضاخان را جلب کرد. سپس آموزش‌های مختلف نظامی را در دانشگاه تازه تاسیس جنگ دید و مسوولیت‌های مختلفی را پذیرفت. رزم‌آرا به فرماندهی لشکر یک تهران رسید و در این سمت



بود که به عنوان «سام‌زاهدنده» شهرت پیدا کرد. وی در دوره‌های مختلف ریاست دانشگاه افسری، رییس دفتر نظامی شاه و رییس اطلاعات ارتش بود و در چند دوره ریاست ستاد مشترک ارتش را برعهده داشت. این مشاغل در میان افسران جوان برای او وجهه و محبوبیت به‌دنبال داشت. همچنین عامل آشنایی و ارتباط او با فعالان حزب توده از جمله خسرو روزبه شد و کینه امیران نظامی قدیمی را که دور محمدرضا شاه جوان را گرفته بودند، برانگیخت.

در مقاله دوم کتاب با عنوان «آواز جوادانه از توسنت» کارنامه غلامرضا تختی مورد اشاره قرار گرفته است. در این مقاله، نویسنده ناگفته‌هایی از زندگی غلامرضا تختی را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. سومین مقاله بخش تاریخ کتاب با عنوان «کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲» نام دارد. این نوشته، پژوهشی از «گازپوروسکی» استاد رشته علوم سیاسی در دانشگاه لوویزیاناست. گازپوروسکی می‌نویسد تحقیق خود را بر پایه سندهای دیپلماتیک و مصاحبه با بسیاری از آمریکاییان و بریتانیایی‌هایی که در کودتای ۲۸مرداد نقش داشته‌اند، استوار کرده و بر آن بوده است که نقش آمریکا و انگلیس را در آن کودتا روشن کند.

بخش مطبوعات شامل سه مقاله با عناوین «جمله‌های علمی عمومی، وسیله‌ای برای ترویج علم»، «موانع اقتصادی- اجتماعی انتشار نشریه‌های مستقل دانشورانه-روشنفکرانه در ایران»، «ضرورت انتشار نشریه‌های دانشورانه-روشنفکرانه و وظایف و تکالیف دولت» است. نویسنده که سابقه سردبیری، مدیرمسئولی و صاحب‌امتیازی چند مجله را دارد به مسایل و موضوعاتی می‌پردازد که برخاسته از دانش و تجربه سالیان اوست. در بخش «کتابداری و اطلاع‌رسانی» موضوعاتی همچون «پیشنهادهایی برای اصلاح آموزش کتابداری در ایران؛ بررسی اجمالی تولید، مدیریت و کاربرد اطلاعات در ایران؛ وضع موجود- پیشنهادها، نقش اطلاعات اقتصادی در حل تضادهای کشورهای غنی و فقیر» و چند مقاله دیگر مورد توجه نویسنده است. در بخش پنجم و پایانی کتاب با عنوان «کتاب‌ها و چهره‌ها» ضمن معرفی چند نقد نویسنده، ترجمه نقدها و اظهارنظرهای بیگانگان درباره چند کتاب آمده است. نویسنده نوشته‌های خود درباره چهره‌های ادبی، هنری و سیاسی را در این کتاب گردآوری کرده است.